

لیک یا حسین (ع)

گرد آویخته

عجبت الله ولیدنی

انتشارات حافظ شریف

سرشناسه : عابدینی، حجت‌الله، ۱۳۲۹ -

عنوان : لبیک یا حسین(ع)

گردآورنده: حجت‌الله عابدینی.

مشخصات نشر : تهران: حافظ پژوه، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۳۳۰ ص: مصور (رنگی).

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۶۶-۸۵-۰۰

وضعیت فهرست نویسی : فیفا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- سرگذشت‌نامه

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق -- زیارت‌نامه‌ها

موضوع : زیارت‌نامه‌ها

موضوع : دعاها

رده بندی کنگره : ۱۳۹۴ ل ۲/ع ۲۴۱/۴ BP

رده بندی دیوبند : ۲۹۷/۹۵۳

شماره کتابشناسی : ۴۱۸۲۰۰۶

عنوان: لبیک یا حسین(ع)

گردآورنده: حجت‌الله عابدینی

ناشر: انتشارات حافظ پژوه

ویراستار: مهدی شارق

صفحه‌آرا: مهناز باقی

لیتوگرافی: آسمان چاپ: نشان

نظارت چاپ: کانون آگهی و تبلیغات فابوس

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال ۲۵۰۰۰۰

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۶۶-۶۲-۱

حق چاپ محفوظ و مخصوص مؤلف می‌باشد.

آدرس: تهران، صادقیه، بلوار شهدای صادقیه شمالی، پلاک ۲۶

تلفن: ۴۴۲۴۱۷۵۰

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۱	چکیده‌ای از بیوگرافی امام حسین (ع)
۳	مقدمه
۳	خلاصه‌ای از زندگانی امام حسین (ع)
۳	ولادت
۳	امام حسین (ع) و پیامبر اکرم (ص)
۴	امام حسین (ع) در کنار پدر
۴	امام حسین (ع) همراه برادر
۵	امام حسین (ع) در زمان معاویه
۵	قیام حسینی
۹	همسران امام حسین (ع)
۱۰	فرزندان امام حسین (ع)

قیام عاشور

۱۵	دعایی برای بدرقه زائران امام حسین (ع)
۱۶	دعای امامان برای زائران
۱۶	آثار زیارت امام حسین (ع)

اولین زائر قبر امام حسین (ع).....	۱۷
تاریخچه ی حرم.....	۲۲
تصاویر حرم.....	۲۴

زیارت چیست؟

باب اول: آداب زیارت امام حسین (ع).....	۳۴
باب دوم: آداب زیارت امام حسین (ع) از راه دور.....	۵۰
باب سوم: آداب زیارت امام حسین (ع) روز عاشورا.....	۵۱
باب چهارم: آداب زیارت مخصوصه حرم امام حسین (ع).....	۵۲

کیفیت زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور

عظمت زیارت امام حسین (ع).....	۶۴
پاداش زیارت امام حسین (ع) از راه دور.....	۶۶
زیارت سر امام حسین (ع) در حرم امیرالمومنین (ع).....	۶۷
حدیث درباره زیارت سر مقدس امام حسین (ع).....	۶۹
دعای اعمال حرم امام حسین (ع).....	۶۹
دعای حرم امام حسین (ع).....	۷۳
زیارت امام حسین (ع) با پای پیاده.....	۷۶
ثواب زیارت امام حسین (ع).....	۷۶

زیارات مطلقه امام حسین (ع)

زیارت اول مطلقه.....	۷۹
زیارت دوم مطلقه.....	۸۳
زیارت سوم مطلقه.....	۸۳
زیارت چهارم مطلقه.....	۸۵
زیارت پنجم مطلقه.....	۸۶
زیارت ششم مطلقه.....	۸۶
زیارت هفتم مطلقه (وارث).....	۹۳

زیارت مقدسه از ناحیه امام زمان (عج)..... ۱۰۵

زیارات امام حسین(ع)

زیارت امام حسین(ع) در اول ماه رجب..... ۱۲۱

زیارت امام حسین(ع) در نیمه رجب..... ۱۲۶

زیارت امام حسین(ع) در نیمه شعبان..... ۱۲۸

زیارات امام حسین(ع) در ماه رمضان..... ۱۳۰

زیارت امام حسین(ع) شب‌های قدر..... ۱۳۸

زیارت امام حسین(ع) در عید فطر و قربان..... ۱۴۷

فضیلت زیارت روز عرفه..... ۱۵۳

زیارت در روز عرفه..... ۱۶۰

زیارت عاشورای معروفه..... ۱۶۸

دعای امام حسین(ع) در روز عاشورا..... ۱۷۵

زیارت عاشورای غیر معروفه..... ۱۷۹

زیارت اربعین..... ۱۸۶

خطبه

خطبه امام حسین (ع) هنگام عزیمت از مکه به سوی کربلا..... ۱۹۴

اخبارغیبی امام حسین(ع) به اصحابش در شب عاشورا..... ۱۹۵

سخنان امام حسین(ع) در شب و روز عاشورا..... ۱۹۷

دعای امام حسین (ع) در صبح عاشورا..... ۱۹۸

خطبه اتمام حجت امام حسین(ع) در صبح عاشورا..... ۱۹۹

نخستین خطبه امام حسین(ع) در روز عاشورا..... ۲۰۲

خطبه غراء در روز عاشورا..... ۲۰۳

سخنان حضرت با لشکریان در لحظات آخر..... ۲۱۲

خطبه‌ی سوم امام حسین(ع) در روز عاشورا..... ۲۱۷

- ۲۲۰..... خطبه‌ی امام حسین (ع) در روز عاشورا
- ۲۲۱..... دیدگاه امام حسین (ع) نسبت به دعا و نیایش
- ۲۲۲..... دعای جامع امام حسین (ع)
- ۲۲۳..... دعای امام حسین (ع) در کعبه
- ۲۲۳..... دعای امام حسین (ع) در سجده
- ۲۲۴..... دعای امام حسین (ع) در قبرستان
- ۲۲۴..... دعای امام حسین (ع) برای شهداء
- ۲۲۵..... دعای امام حسین (ع) در صبح عاشورا
- ۲۲۶..... خطبه‌خوانی اسراء

زیارت اوقات شریفه امام حسین(ع)

- ۲۳۰..... زیارت امام حسین(ع) در شب‌های جمعه
- ۲۳۱..... زیارت امام حسین (ع) در روز ولادت

زیارت ناراض امام حسین(ع)

- ۲۳۳..... زیارت جناب مسلم بن عقیل(ع)
- ۲۳۶..... زیارت حضرت عباس (ع)

وضعیت سپاه امام حسین قبل از جنگ

- ۲۴۵..... آرایش سپاه امام حسین(ع)
- ۲۴۵..... آمار و اسامی اسراء و بازماندگان عاشورا
- ۲۴۶..... اسامی هفتاد و دو تن شهدای کربلا

جلوه امام در دعا و نیایش

- ۲۵۳..... نماز و دعای امام حسین(ع)
- ۲۵۴..... صلوات بر امام حسین(ع)

تربت امام حسین (ع)

- ۲۵۹..... فوائد بی نظیر تربت امام حسین (ع)
- ۲۵۹..... تاثیر تماس اعضای بدن با تربت

- سجده بر تربت امام حسین (ع)..... ۲۶۰
- شفا یافتن از تربت..... ۲۶۱
- تأثیر کام برداشتن اطفال با تربت..... ۲۶۳
- تأثیر تربت امام حسین (ع) همراه جنازه..... ۲۶۳
- تسبیح تربت..... ۲۶۳

محل دفن سرمقدس امام حسین (ع)

- سرمقدس امام (ع) کجا خاک شده است؟..... ۲۶۵

نشانه‌های امام حسین (ع) قرآن

- امام حسین (ع) از منظر قرآن..... ۲۶۷

احادیث

- احادیث امام حسین (ع)..... ۲۷۹
- احادیث پیامبر درباره امام حسین (ع)..... ۲۸۶
- امام حسین (ع) در احادیث اهل سنت..... ۲۸۹

پیشگفتار

چکیده بیوگرافی امام حسین علیه السلام

حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام (۴-۶۱ق)

امام سوم شیعیان

از اصحاب کساء

فرزند دوم امام علی علیه السلام

و حضرت زهرا سلام الله علیها

نوهی حضرت محمد (ص)

کنیه اباعبدالله

القاب زکی و سیدالشهدا

مشهور به اباعبدالله

از یاران علی علیه السلام در جنگ‌های صفین، جمل و نهروان

متولد (سوم شعبان سال ۴۰ ق)

زادگاه مدینه

محل اقامت مدینه و کوفه

تعداد همسران پنج نفر

تعداد فرزندان:

به نقل از شیخ مفید شش نفر

به نقل علی بن عیسی‌الاربعی در «کشف الغمّة» ده نفر

دوره امامت ده سال

وفادار به قطع نامه صلح امام حسن علیه السلام با معاویه

عدم بیعت امام علیه السلام با یزید فرزند معاویه

جنگ با سپاهیان عبیدالله بن زیاد در کربلا

به تاریخ دهم محرم الحرام سال ۶۱ ه.ق

تعداد سپاه امام علیه السلام ۷۲ نفر

تعداد سپاه دشمن سه هزار نفر

شهادت امام حسین (ع) در محرم الحرام (۶۱ ه.ق)

شهادت امام در سن ۵۰ سال

شهادت ۷۲ تن از یاران امام

محل شهادت: کربلا ، عراق

مدفن: کربلا

اسارت و انتقال اهل بیت امام به کوفه و شام

خلاصه‌ای از زندگانی امام حسین علیه السلام

ولادت :

در روز سوم ماه شعبان سال چهارم هجرت دومین فرزند برومند حضرت علی، فاطمه «که درود خدا بر ایشان باد» در خانه وحی و ولایت متولد شد. وقتی که خبر ولادتش به حضرت محمد (ص) رسید به خانه حضرت علی (ع) و فاطمه (س) آمد. اسماً را فرمود: تا کودک رانزد او بیاورد. اسماً نوزاد را در پارچه‌ای سپید پیچید و خدمت رسول اکرم (ص) برد. آن بزرگوار در گوش راست و اذان^۱ به گوش چپ او اقامه گفت.^۲ روزهای اول یا هفتمین روز ولادت با سعادتش، جبرئیل از طرف خداوند فرود آمد و گفت: «سلام خداوند بر تو باد، ای رسول خدا»، این نوزاد را به نام پسر کوچک هارون «شبیر»^۳ که به عربی «حسین» خوانده می‌شود، نام بگذار.^۴ چون علی برای نام بردن به مانند هارون برای موسی بن عمران است، جز آن که تو خاتم پیامبران هستی. با این تسمیه نام پر عظمت حسین از جانب پروردگار، برای دومین فرزند فاطمه (س) انتخاب شد. در روز هفتم ولادتش، فاطمه زهرا (س) گوسفندی را برای فرزندش به عنوان عقیقه گذاشت، سر آن حضرت را تراشید و هم وزن موی سر او نقره صدقه داد.^۵

امام حسین علیه السلام و پیامبر اکرم (ص)

از ولادت حسین بن علی علیه السلام که در سال چهارم هجرت در ناز و محبت رسول الله (ص) که شش سال و چند ماه بعد اتفاق افتاد، مردم از عشق و عطف خاصه‌ای که رسول اکرم (ص) نسبت به امام حسین علیه السلام ابراز می‌داشت به کرامت و مقام شامخ پیشوای سوم پی بردند. سلمان فارسی می‌گوید: شاهد بودم که رسول خدا (ص) حسین علیه السلام را بر زانوی خویش نهاده او را می‌بوسید و می‌فرمود: تو بزرگوار، پسر بزرگوار و پدر بزرگوارانی. تو امام، پسر امام و پدر امامان هستی. تو حجت خدا، پسر حجت خدا و پدر حجت‌های خدایی که نه نفرند. که خاتم ایشان، قائم ایشان امام زمان (عج) می‌باشد.^۶ انس بن مالک روایت می‌کند: وقتی از پیامبر سؤال کردند، کدام یک از اهل بیت خود را بیشتر دوست می‌داری؟ فرمود: حسن و حسین را.^۷ بارها رسول گرامی حسن و حسین علیهم السلام را به سینه می‌فشرد و آنان را می‌بوسید و می‌بوسید.^۸ ابوهریره که از مزدوران

معاویه و از دشمنان خاندان امامت است ، مع الوصف اعتراف می کند که : رسول اکرم (ص) را دیدم که حسن و حسین را بر شانه های خویش نشانده بود و به سوی ما می آمد، وقتی به ما رسید فرمود: هرکس این دو فرزندم را دوست بدارد مرا دوست داشته و هرکه با آنان دشمنی ورزد با من دشمنی نموده است.^{۱۱} عالی ترین ، عمیق ترین ، رابطه معنوی و ملکوتی بین پیامبر و نوه اش حسین (ع) در این جمله نمایان است که فرمود: «حسین از من و من از حسینم».^{۱۲}

امام حسین (ع) در کنار پدر :

فقط شش سال داشت که رسول خدا (ص) چشم از جهان فرو بست. مدت سی سال با پدر زیست ، پیری که جز به انصاف حکم نکرد، جز به طهارت ، بندگی نگذرانید جز خدا ندید ، جز خدا نخواست و جز خدا نیافت. پدری که در زمان حکومتش لحظه ای او را آرام نگذاشتند ؛ هم چنان که به هنگام غصب خلافتش جز به آزارش برنخواستند... در تمام این مدت ، با دل و جان از او اطاعت می کرد. در چند سالی که حضرت علی (ع) متصدی خلافت ظاهری شد حضرت حسین (ع) در راه پیشبرد اهداف اسلامی، مانند یک سرباز فداکار، همچون برادر بزرگوارش می کوشید و به همراه پدر در جنگ های جمل ، صفین و نهروان شرکت داشت.^{۱۳} به این سبب از پدرش امیرالمؤمنین (ع) و دین خدا حمایت کرد؛ حتی گاهی در حضور جمعیت به غاصبین خلافت اعتراض می کرد. در زمان حکومت عمر، امام حسین (ع) وارد مسجد نشاء خیفه دوم را بر منبر رسول الله (ص) مشاهده کرد که سخن می گفت. بی درنگ از منبر بلند رفت و فریاد زد: از منبر پدرم فرود آی.^{۱۴}

امام حسین (ع) همراه برادر :

پس از شهادت حضرت علی علیه السلام به فرموده رسول خدا (ص) و وصیت امیرالمؤمنین علیه السلام امامت و رهبری شیعیان به حسن بن علی (ع) اولاد ارشد امیرالمؤمنین علیه السلام منتقل گشت و اطاعت از فرامین او بر همه مردم واجب شد. امام حسین (ع) که تربیت شده دست ولایت علوی در سایه وحی بود ، مطیع و همراه برادرش بود؛ چنان که وقتی بنابر مصالح اسلام ، جامعه مسلمانان و به دستور خداوند بزرگ امام حسن (ع) مجبور شد که با معاویه صلح کند آن همه ناراحتی ها را تحمل نماید، امام حسین (ع) شریک رنج های برادر بود و چون به فلسفه صلح در آن برهه زمانی آگاه بود هرگز اعتراض

به برادرنداشت؛ حتی یک روز که معاویه، در حضور امام حسن (ع) و امام حسین (ع) دهان آلوده‌اش را به بدگویی نسبت به امام حسن (ع) و پدر بزرگوارشان امیرمؤمنان (ع) گشود امام حسین (ع) به دفاع برخاست تا سخن در گلو معاویه بشکند و جواب گستاخی‌اش را بدهد؛ ولی امام حسن (ع) او را به سکوت، خاموشی فراخواند امام حسین (ع) هم اطاعت کرد به جایش بازگشت آن‌گاه امام حسن (ع) خود به پاسخ معاویه برآمد و با دلایلی محکم و منطقی خاموشش ساخت.^{۱۵}

امام حسین (ع) در زمان معاویه :

چون امام حسن علیه السلام به شهادت رسیدند برطبق گفته رسول خدا (ص)، امیرالمؤمنین علیه السلام و وصیت حسن بن علی (ع) امامت، رهبری شیعیان به امام حسین (ع) منتقل شد. از طرف خدا مأمور رهبری جامعه گردید. امام حسین (ع) که می‌دید معاویه دستورات، بیای اسلام را دست‌آویز قدرت طلبی‌اش قرار داده‌است و حکومت فاسد او دقیقاً مقابل با اسلام است، از وضعیت موجود رنج می‌برد؛ اما با توجه به یک‌سری دوراندیشی‌ها و احترام به قرآن داد صلح امام حسن (ع) دست به مبارزه همه جانبه نزد تا این که معاویه برای ولایتعهدی فرزند پادشاهش تصمیم به بیعت گرفت در این‌جا مبارزه قاطعانه امام شکل گرفت و زمینه برای قیام عاشورائی شد تا زمانی که معاویه به درک رفت و حکومت را به حرام‌زاده‌ئی به‌نام یزید سپرد.^{۱۶}

قیام حسینی

یزید پس از معاویه براریکه قدرت سوار شد. خود را امیرالمؤمنین خواند و برای این‌که سلطنت نامشروع و فاسدش را تثبیت کند، مصمم شد برای صاحب‌بنیان و شخصیت‌های اسلامی پیامی بفرستد تا آنان را به بیعت با خویش بخواند. به همین منظور، نامه‌ای به حاکم مدینه نوشت و در آن یادآور شد که برای من از حسین بیعت بگیر و اگر مخالفت نمود به قتلش برسان. حاکم این خبر را به امام حسین علیه السلام رسانید و جواب مطالبه نمود. امام حسین علیه السلام چنین فرمود: «انا لله و انا الیه راجعون و علی الاسلام السلام اذ ابلیت الامة براع مثل یزید»^{۱۷} آن‌گاه که افرادی چون یزید، «شرابخوار، قمارباز، بی‌ایمان و ناپاک که حتی ظاهر اسلام را هم مراعات نمی‌کند»^{۱۸} بر مسند حکومت اسلامی بنشینند، باید فاتحه اسلام را خواند. (زیرا این‌گونه زمامدارها با نیروی اسلام و به نام اسلام، اسلام را از بین می‌برند). امام حسین علیه السلام می‌دانست اکنون که حکومت یزید را

به رسمیت نشناخته‌است، اگر در مدینه بماند جانش در خطر خواهد بود لذا به امر پروردگار شبانه و مخفی از مدینه به سوی مکه حرکت کرد. آمدن آن حضرت به مکه، همراه با سرباز زدن او از بیعت یزید در بین مردم مکه و مدینه انتشار یافت، این خبر وقتی به کوفه رسید. کوفیان از امام حسین علیه السلام که در مکه به سر می‌برد دعوت کردند تا به سوی آنان آید و زمامدار امورشان باشد. امام (ع) مسلم بن عقیل، پسر عموی خویش را به کوفه فرستاد تا حرکت و واکنش اجتماع کوفی را از نزدیک ببیند و به او گزارش کند. مسلم به کوفه رسید در حالی که با استقبال پورشور مردم روبرو شد، هزاران نفر به عنوان نایب امام علیه السلام با او بیعت کردند. مسلم هم نامه‌ای به امام حسین علیه السلام نگاشت و موقعیت را گزارش داد. گرچه امام حسین (ع) از سوابق کوفیان کاملاً آگاه بود، می‌دانست که مردمانی غیرقابل اعتماد هستند و بر سر بیعت وفادار نخواهند ماند؛ لیکن برای اتمام حجت و اجرای حکم الهی تصمیم گرفت که به سوی کوفه حرکت کند. با این حال تا هشتم ذیحجه، یعنی روزی که همه مردم مکه عازم رفتن به منی بودند^{۱۸} و هرکس در راه مکه جا مانده بود، با عجله تمام می‌خواست خود را به مکه برساند؛ اما آن حضرت در مکه ماند، در چنین روزی با اهل بیت و یاران خود از مکه به طرف عراق خارج شد. با این کار هم به وظیفه خویش عمل کرد و همچنان به مسلمانان جهان پیام رساند که نه تنها با یزید بیعت نکرده بلکه علیه او قیام کرده‌است. یزید که از حرکت مسلم به سوی کوفه آگاه شده بود، ابن زیاد را «که از پلیدترین یاران یزید و از شیف‌ترین طرفداران حکومت بنی امیه» بود به کوفه فرستاد. ابن زیاد از سستی ضعف ایمان مردم کوفه استفاده نمود. با تهدید و ارباب آنان را از حمایت مسلم دور ساخت. مسلم به تنهایی در حال بن زیاد به نبرد پرداخت و پس از جنگی دلاورانه و شگفت با شجاعت شهید شد. «ارم خدا را باد»، ابن زیاد جامعه منافق و بی‌ایمان کوفه را علیه امام حسین (ع) برانگیخت تا جائی که عده‌ای از همان کسانی که برای امام (ع) دعوت‌نامه نوشته بودند، لباس رزم پوشیدند، و خطر ماندند تا امام حسین علیه السلام از راه برسد و به قتلش برسانند. «امام زمانی‌ها... مواظب باشید، حسین را کسانی کشتند که با او بیعت کردند و منتظرش بودند!»، امام حسین (ع) از همان شبی که از مدینه بیرون آمد در تمام مدتی که در مکه اقامت گزید در طول راه مکه به کربلا تا هنگام شهادت، گاهی به اشاره، یا به صراحت اعلان می‌داشت که: مقصود من از حرکت، رسوا ساختن حکومت ضد اسلامی یزید، برپاداشتن «امر به معروف و نهی از منکر»، ایستادگی در برابر ظلم و ستمگری است و جز حمایت قرآن و زنده داشتن دین محمدی هدفی ندارم. این مأموریتی بود که خداوند به او واگذار نموده‌بود؛ حتی اگر به

کشته شدن خود، اصحاب، فرزندان و اسیری خانواده‌اش اتمام پذیرد. رسول گرامی (ص)، امیرمؤمنان (ع)، حسن بن علی‌ه السلام و پیشوایان پیشین اسلام شهادت امام حسین علیه السلام را بارها بیان فرموده بودند. حتی در هنگام ولادت امام حسین (ع) رسول گرامی‌مایه اسلام (ص) شهادتش را تذکر داده بود^{۱۹} و خود امام حسین (ع) به علم املت می‌دانست که آخر این سفر به شهادتش می‌انجامد؛ اما آن چه هدف امام (ع) بود، اقامه امر به معروف و احیاء اسلام بود که در آن زمان ریشه‌هایش در حال خشک شدن بود. خبر شهادت حسین (ع) در کربلا به قدری در اجتماع اسلامی مورد گفتگو واقع شده بود که عامه مردم از بدان این سفر مطلع بودند؛ چون جسته، گریخته از رسول الله (ص)، امیرالمؤمنین (ع)، امام حسن بن علی (ع) و دیگر بزرگان صدر اسلام شنیده بودند. بدین سان حرکت امام حسین (ع) با آن موضع‌گیری‌ها و تشنجات احتمال کشته شدنش را در افهان عامه تشدید کرد. به ویژه که خود در طول راه می‌فرمود: «**من کان باذلا فینا مهجته وموطننا علی لواء الله**»^{۲۰} «فیه فلیرحل معنا»^{۲۱} هرکس حاضر است، در راه ما از جان خویش بگذرد و به ملاقات پیوسته در بشتابد همراه ما بیاید؛ لذا بعضی از دوستان از روی مصلحت‌اندیشی سعی می‌کردند در حرکت او از این سفر منصرف سازند، غافل از این که فرزند علی بن ابی طالب (ع) و جانشین پیامبر از دیگران به وظیفه خویش آگاه‌تر است، هرگز حق را فدای مصلحت نخواهد کرد. امام حسین (ع) علی‌رغم افکار و نظریه‌ها گوناگونی که اطرافش را گرفته بود، کوچک‌ترین خللی در تصمیمش راه نیافت. سرانجام دفاع از حق را انتخاب کرد و شهادت را دریافت. به تنهایی خود را بلکه با اصحاب، فرزندان که هر یک ستاره‌ای درخشان در افق اسلام بودند رفتند. کشته شدند و خون‌هایشان شن‌های گرم دشت کربلا را لاله باران کرد تا جامعه و همان بفهمد یزید (باقیمانده بسترهای گناه آلود خاندان بنی امیه) جانشین رسول خدا نیست. اساساً اسلام از بنی امیه و بنی امیه از اسلام جداست. اگر شهادت حماسه آفرین حسین (ع) به وقوع نمی‌پیوست، مردم یزید را خلیفه پیغمبر (ص) می‌دانستند آن‌گاه که اخبار دربار یزید، شهوت‌رانی‌های او و عمالش را می‌شنیدند چه نگرشی نسبت به اسلام داشتند؟! زیرا اسلامی که خلیفه‌اش یزید باشد، به راستی نفرت انگیز است... خاندان پاک حضرت امام حسین (ع) نیز اسیر شدند تا آخرین رسالت این شهادت را به گوش مردم برسانند. بارها شنیده‌ایم، خوانده‌ایم که در شهرها، بازارها، مساجد همواره همه جا دهان گشودند، فریاد زدند و پرده زیبای فریب را از چهره زشت و جنایت‌کار جیره خواران بنی امیه برداشتند تا که ثابت کردند یزید میمون باز و شرابخوار هرگز لیاقت خلافت ندارد؛ لذا اریکه‌ای که او

بر آن تکیه زده جایگاه او نیست. سخنان بازماندگان پیام شهادت حسینی را تکمیل کرد، طوفانی در جان‌ها برانگیخت؛ چنان‌که نام یزید برای همیشه مترادف با هر پستی، رذالت و دنائت گردید و بر همه آرزوهای شیطانیش خط بطلان کشیده شد. نگرشی ژرف می‌خواهد تا بتوان بر همه ابعاد این شهادت عظیم با ثمره جاودان دست یافت. از همان اوان شهادتش تا کنون دوستان، شیعیانش، همه آنان که به شرافت و عظمت انسان ارج می‌گذارند همه ساله روز قیام، شهادتش را با سیاه‌پوشی و عزاداری محترم می‌شمارند و خلوص خویش را با گریه بر مصایب آن بزرگوار ابراز می‌دارند. پیشوایان معصوم ما، همواره به واقعه کربلا و به زنده داشتن آن عنایتی خاص داشتند. غیر از این‌که خود به زیارت مرقدش می‌شتابیدند، عزایش را برپا می‌داشتند در فضیلت عزاداری و محزون بودن برای آن بزرگوار رفتارهای متعددی ایراد فرموده‌اند. ابوعمارہ گوید: روزی به حضور امام ششم صادق آل محمد (ع) رسیدم. فرمود: اشعاری درس‌گواری حسین برای ما بخوان. وقتی شروع به خواندن نمودم، صدای نریه از خانه برخاست، من می‌خواندم و آن عزیز می‌گریست، چندان‌که صدای نریه از خانه برخاست. بعد از آن‌که اشعار را تمام کردم، امام (ع) در فضیلت، ثواب مرثیه و گریستن بر امام حسین (ع)^{۲۱} فرمود: «گریستن و بی‌تابی کردن در هیچ مصیبتی شایسته نیست مگر در مصیبت حسین بن علی، که ثواب و جزایی گرانمایه دارد».^{۲۲} باقر العلوم، امام هفتم (ع) به محمد بن مسلم که یکی از اصحاب بزرگ او است فرمود: «به شیعیان ما بگویید که به زیارت مرقد حسین بروند؛ زیرا بر هر شخص باایمانی که به امامت ما معترف است زیارت قبر ابا عبدالله لازم می‌باشد»^{۲۳} امام صادق (ع) می‌فرماید: «ان زیارة الحسین علیه السلام افضل ما یکون من الاعمال». همانا زیارت حسین (ع) از هر عمل پسندیده‌ای ارزشمندتر و فضیلتش بیش‌تر است».^{۲۴} زیرا که این زیارت در حقیقت مدرسه بزرگ، عظیم است که به جوانان درس ایمان و عمل صالح می‌دهد. گویی روح را به سوی ملکوت خوبی‌ها، پاکدامنی‌ها و فداکاری‌ها پرواز می‌دهد. هر چند عزاداری، گریه بر مصایب حسین بن علی (ع)، مشرف شدن به زیارت قبرش، بازنمایاندن تاریخ پرشکوه، حماسه‌ساز کربلایش ارزش و معیاری والا دارد؛ لکن باید دانست که نباید تنها به این زیارت‌ها، گریه‌ها و غم‌گساری‌ها اکتفا کرد. بلکه همه این تظاهرات، فلسفه دینداری، فداکاری و حمایت از قوانین آسمانی را به ما گوشزد می‌نماید هدف هم جز این نیست. نیاز بزرگ ما از درگاه حسینی آموختن انسانیت، خالی بودن دل از هر چه غیر از خداست و گرنه اگر فقط به صورت ظاهر قضیه بپردازیم، هدف مقدس حسینی به فراموشی می‌گراید.